امروز بامولانا

یکخبر|یکنگاہ

.. بور دارد. با

برش

نو فکــر اینـــی که وقتشــه

تو فدر ایسی ـــرـــــ کفشــتو عــوض کنــی. مـامیدونیــم که آســمون یـک رنــگ نیســت، کهحتیســنگـهم.فرسوده

می شـه، که سـهدقیقه بعد احساسـمد فت

که بین گریه و خنده فقط یه

حركت شـكم فرق ميكنه.

مامىدونيسم كه هيچى دوام

نداره، همه چی سر گرمیه و آدما تداوم نیدارن. میدونیم که «برای ابد» خواب و خیاله

فردريكياتئاتربلوار

شاتر

مون فرق مىكنە،

پیش من جز سخن شمع و شکر هیچ مگو

ور از این ہے خبری رنج مبےر ، هیچ مگو

این آمار را نمی توان به تمام کشور تعمیم داد ؛ در برخی اسّـتانها مانند تهران این ُنسبت کمتر از ســهازدواج و یک طلاق است و در استان البرز نیز تقریبا در مقابل هر ســه ازدواج یک طلاق وجود

دارد، در حالیکه در سیستان و بلوچستان میزان ازدواج زیاد بوده و طلاق بسیار کم است.این آمار و

ار قام ار تباط مستقیم با گوناگونی خر دەفر هنگ ها،

ر ۲۰٫۱ فرهنگ و ســنت.های استان های کشــور دارد. با این حال رئیس انجمن مدد کاری اجتماعی ایران یا اسارہ به کاهش مدت زمان زندگی مشتر ک زوجین عنوان میکند: در گذشته عنوان می شد

که بیشتر طلاق ها در پنج سال اول زندگی رخ می دهند اما در حال حاضر این زمان به دو سال

كاهش يافته وحتى طلاق هنگام عقد نيز در حال

, واج است.

عبورصدودوازدهم امانوئلاشميت

طلاق همزمان باعقد!



مهاجراني رافراموش نمي كنم

ہ فوتبال بازی می آ هم عشق می ورزم اما زمانی که خودتان فوتبال بازی می کنید یک حس و حال و ارزش دیگری برای سی مید یا در معان می آورد. من مقطعی را را برای شیما به ارمغان می آورد. من مقطعی را در کشیور امارات توپ می دم اما بعد از گذشت

مدتى تصميم گرفتم تا به ايران بيايم و ادامه فوتبالم را در من به تهران آمدماما نتوانستمر فتار مهاجرانی را كشورم دنبال كنم. أز همينرو بەھيچوجەفراموشكنميا باخودمموضوعراحل كنم. به دنبال رضایتنامهام رفتم تا . هرچه زودتر کارهـای انتقالم به یکی از باشـگاههای کشور درصدبودم تا آقای مهاجرانی راازنزدیک ببینمو آنچه در نظر داشتم رابه ایشان منتقل کنم . اف اهم کنم که متاسفانه د. اَن زَمان مشکلاتی برای صدور كەازقضاھمدىگرراملاقات ضايتنامه من از باشگاه صورت ر ۔ گرفت که من همان موقع با آقای مهاجرانی تماس گرفتم درديم وهر چەمى توانى تمو دردلداشتمراانتقالدادم

ای مهیدرایی مسرف کردیم وزایشون طلب کمک در این زمینه را کردم مهاجرانی از آنجا که باباشگاهی که من در آن توپ می زدم آشنایی قبلی داشت، پذیرفت که رضایتنامه مرا از باشگاه

طه قدر تی ا کُه داشـــتهاند مرا از کارهایی که استحقّاق آن را داشـــتهام منع کردند که من البتــه حاضرم تمام عمرم این رفتار را داشته باشم و از هیچ کس در

Tarheno@shahrvand-newspaper.ir (استند ۱۳۹۳ |سال دوم |شماره ۵۱۴ | ارتباط یا گروه طرح نو: Tarheno@shahrvand-newspaper.ir

عمرم این روکتر را منسبه بود میچ می س هیچ جایگاهی ترسی نخواهم داشت. اکنون در کشــور ما وضعیتی است که اگر شما کار خودت را به خوبی انجام دهی کله پایت میکنند. انجام دهی کله پایت میکنند. هرچه درست باشی و با موازین و ارزش هایت کار کنسی تو را نمی پذیرند زیــرا اکنون زمان رانت و پارتی است. گاهی رفتارت باعث متضرر شدن چندی یا عدمای میشـود که ت ندارند به هیچوجــه دوسـت ندارند این اتفــاق صورت گیــرد و با هـر ترفندی که شـده شـما را متوقـف میکنند کـه این

مُوضوَّع بــرای من هم بار ها به وجود آمده اسـت. یکــی از بهترین مقاطـع زندگی مــن زمانی بود

ابراهيم قاسمپور ALE

باشند یا اُن اشتباهات را برای افسراد مختلف باز گو کننید.البته اعتراف به اشتباه به جایگاه و . به هیچوجه زیر بار عملکرداشتباه خود نمی وند اما گاهی ممکن است که شــما با رفتار درست و نيک هم دچار اشتباه يا تخطي شويد، اين موضوع وجور دستسم معی مردم رز رزید رشار نیز دچار ضرر می شوند من بارها شده که برای بازیکنان و جریانهای مختلف اقداماتی انجام دادهام ک به نظر مو با ارزش هاییم هماهنگ بوده اما به تبع همین عملک رد جبهه افراد دیگر

انسانهای زیادی را نمی شناسم که به اشتباهات و عملکردهای غلط خود اذعان داشته

بر و شخصیت افراد نیز مربوط می شـود. افرادی که معمولا در جایگاههای حساس قرار دارند نسبت به اشتباهات خود بی تفاوت هستند یا بهتر اینکه نیز به خود مــن برمی گردد که تجربــهاش را به وفور داشـــتهام گاهی افراد در ارایه رفتار صادقانه

r •

11

قايل ها

امروز شرایط طوری شــده که هر کس در زندگی

روزمــره، تنهابه فکر خودو منافع خوداســت.افراد در صدداین هســتند که تنها، شــرایط را برای خود

مهيا كنندو در اين ميان، ديگران برايشان اولويت

۲۰ ندارند یا اولویت کمتری دارند. اگرچه این موضوع، امری معقول و طبیعی است که هر کس به خود

رس روی . توجه داشته باشد، اما دیگران نیز باید برای مااهمیت داشته باشند. امروزه همه افراد، بیشترین حق را به

خود می دهند. اگر افراد کمی از حقی که برای خود قایل هستند رابرای دیگران نیز قایل باشند، بسیاری

از مسائل، خود به خود منتفى مى شوند؛ و اين اُمر مى تواند موجب ايجاد همبســتگى و روحيه يارى

می نواند موجب ایجاد همبســــدی و روحیه یاری رسانی در جامعه شــود. لذا معتقدم مردم باید حق

یکدیگر را در سطح جامعه محترم بشــمارندو در

مرحله بعد،به دنبال همبستگىور وحيه يارى رسانى

اسيم. چراکــه ايــن دو را در ار تباط مســـتقيم با

ز ندگیماشینی، مهلکه همیستگی احتماعی

هادی ساعی

به چی فکر می کنی؟

یکدیگر می بینم. گمان می کنم در سال های پیش گی در جامعه ایران بسیار پر رنگ تر از امروز بود.زندگی ماشینی ای که بر ذهن و جان همه انسان ها سایه افکنده، تأثیر مستقیمی در تحلیل همبستگی جامعه دارد. زندگی ماشینی، بسیاری از روابط را در میان دوستان و خانواده ها مخدوش کر ده وموجب شده که افرادبرای دوستی، پاپیش نگذارند وبرای کمکرسانی به یکدیگر پیش دستی نکنند. به نظر میرسد که دلیل اصلی این معضلات، مشکلات اقتصادي است. طبيعتار فع مشكلات و سامان دادن

شرایط زندگی شخصی اولویت دارد. تجربه نشان داده است که با آمــوزش و تکرار ارزش هـاى اخلاقى، انسـانى واجتماعَى، مَى توانُ به نتايج خوبى دسـت يافت امروز بيش از هر زمان تايج خوبى دس دیگری سے آموزش و تکبرار نیازمندیو. دلیل مہم دیگری بست شورعی و مسرار بیارمندیم، میں مهم دیگری که موجب کمرنگ شدن همبستگی و مشار کت اجتماعی شده است، بی اعتمادی تہ این زخـــم عظیم باعــث کم , نگ شـ مشاركت اجتماعي شده است و احتياج به ترميم

دا. د.

ب کنداماچندروزی گذشت و خبری مادمازل ژرژ: مروقط طلب تنداما چندر اوری تدسه و خبری نهاز باشتگاه و نهاز آقای مهاجرانی شد. تصمیم گرفتم که دوباره به باشگاه مراجعه کنم و سوالان از در رابطه با ملاقات آقای مهاجرانی با مسئولان مربوطه و اوضاع رضایتنامهام داشته باشیم که در جواب به من گفتند که نسه از آقای مهاجرانی ریزرر فردریـک مــا بازیگریم، یعنی واقعبینترین آدمای اطلاعي دارند و نه در آن زمان امكان اينكه به من مىكنن. رضایتنامه بدهند بود. به هر حال گذشت و من به تهران آمدم اما نتوانستم رفتار مهاجرانی را به به بهران اسم اما نیوانست م رغار طور بر به بورای را به هیچوجه فراموش کنم یا با خــودم موضوع را حل کنم. درصدد بودم تا آقــای مهاجرانی را از نزدیک ببينج وأنجه درنظر داشتج رابه إيشان منتقل کنم کهاز قضاهمدیگر راملاقات کردیم و هرچه می توانستم و در دل داشـــتم را انتقال دادم. بعد از ی رسم از مراجع کی می می می می می مراجع کی مراجع کی مراجع کی مراجع کی می مراجع کی مراجع کی مراجع کی مراجع کی مرا انجام دادهام و با خود فکر کردم آقای مهاجرانی هر

میم عندم و به توخط و نام دی هیه برخی مردی می در این رفتار کاری هم که بامن کرده باشد مستوحت این رفتار من نوع صد فوتبال بودند از این رو این عملکرد خود راهیچوقت فراموش نخواهم کرد.

بی مناسبت

یایان حنگ یا دیکتاتوری خرد

کار را تمام می کرد. ممکن است عدهای بگویند که اذیت و آزار و زور گویی در ذات انسان اس و لذا می پرســند آیــا می توان ایــن بی رحمی حاصل از ذات انسان ها را مهار کرد؟ پاسخ این اســت: باید آن را مهار کرد! در ســالهایی که چیزی تا به قدرت رسیدن حـزب نازی باقی نمانده بود، نامه مشـهوری ارسـال میشـود. فروید کسے است که کاشف ناخودآگاهی و .. بال خود کامانه و شـرورانه بشری است، طرف این نامه است و انیشتین فیزیکدان، که را یکی ایسانیت و امید به صلح و چیر گی آرمان های اخلاقی دارد، طرف دیگر است. ـتین از فروید سوال می پُرسـد: «چگونه وان بـه جنـگ پایـان داد؟»؛ چکیده و مضمون باســـخ فرويد اين است: «ديكتاتوري خرد». مـــن نمیتوانم بگویم چیـــزی خبیث در وجود انســـانها وجود دارد کــه جزو ذاتی آنهاست. اما روانکاوی در عصر جدید، با هزاران آزمون بالینی و تحلیلهای نظری و علمی، به این نتیجه رسیده که بهطور کلی در ناخودآگاه ممه ما، یک دیو شرور و ویرانگری خفته است که از هر فرصتی اســـتفاده می کنــد تا مفری برای بروز بیابد. این موضوع، تقریبا میان همه مکاتب روانکاوی، مشتر ک است. در روانکاوی آمریکایی که معروف به روانکاوی «من»اسم اساس، تقسیم،ندی افراد به نرمال و آنرمال (بهنجار و نابهنجار) است. یز شک روانکاو، سعی ۔ ــولِ و ناهنجارهای بىكند رفتارهماي نامعم اجتماعي رامتعادل كندو فرد أنرمال رابا وضع م موجود، سازش دهد. مکاتب دیگری نیز وجود دارند، مثــل مکتب «ژاک لاکان»، که اساســا فردیت و هویت فردی یا «من» را بهطور ذاتی، ملازم با «دیگــری» میداند. به ایــن مَ بدون دیگری، «من» وجود ندارد. در هر حال، ممه این مکاتب، به این موضوع قایل هستند که امیال تیره و تاریک در وجود انسانها، منتظر فرصتی برای ظهور و بروز می شود و لذا باید مهار شود؛ آن هم در پرتوی دانش، تربیت، مطالعه و آزادی.

سیاوش جمادی

می تــوان بــه جـ:

من در مقامی نیستم که درباره تاریخ انسانیت و آینده اخلاقی آن صحبت کنم تا جایی که میدانیم، در طول تاریخ، آنچه که مقدم بر جنگ ہای عقیدتے و ایدئولوژیک (اعم از الحــادى يا الهي) بوده، چيــزى غير از

شهوت قدرت، مهار نشود، جهان از این مصائب خواهد داشت؛ آنچنان که تا امروز داشته است. بنابرایس، تصور میکنم که اندیشمندان، موظفند که به طور تضمین شدهای، راههایی ا موضعت که به طور تصمین شده ی راهایی را برای مهار کشتار و همنوع کشی فردی و جمعی که نام جنگ را بر آن می نهند و آن را نشسانه برای می از می نهند و آن را نشسانه تخار ملی میدانند، جستوجو و بیان کنند. اندیشــه و وجدان، موضوعاتی هســتند که

میتوانند راهی برای مهار و نجات انسان از شرارت پیدا کنند. شرارت، نقابهای مختلفی بر چهره میزند و گاهی این نقابها، (مانند ر به در عار در عام دارد) مقدس است، گاهی آنچه داعش بر چهره دارد) مقدس است، گاهی الحادی و گاهــی ایدئولوژیک. فکر می کنم که یک بچه می تواند ایــنُ راً در ک کند که جواب اندیشه،اندیشه است. جواب کلمه، کلمه است. حال آن که ما در جهان، می بینیم که به اســم ، و اعتقاد و ایدئولــوژی، چه خون هایی ریخته شده است. تاریخ، خونبار است. چه در عصر گذشته و چه در زمانه ما. در عصر حاضر، مسأله اين اســت که ابزارهای کشتار، تودهای و تکنولوژیـک شـدهاند. این ابزارهـا، قدرت خريبٌ بُسّيار زيادى دارند. اگرچهُ أين موضوّع، فضیلتی برای دوران قدیم به شــمار نمیآید. چراکه چنگیزخان مغـول، اگر با حمله زمینی و شمشیر کشــی به کشــتار و غارت پرداخت، به ایسن دلیل بوده که او چنیسن ابزارهایی را دراختیار نداشت و گرنه، به جای تاختوتاز، با و چـــر به جای تا: انداختن بمب اتم روی ایران و سـایر کشورها،

- M

آن ایدئولوژی بوده و بیش از هر چیز بر مبنای قدرت ادامه یافته است. تا زمانی که این میل و افتخار ملی میدانند، ج

رویزمین. برای این که مــا چیزی رو مىدونيم كــه بقيه ينهانش ی ن مـامیدونیم کــه هیچی نيســـتيم، فُكر نمىكنيم كه اينخُلقمون بهاون يكى سَره، بلكه مىدونيم كــه فقط يه خلق وخو داريم واون بسه بەلوضاع واحوال فرق مى كنە.

رئیـــسانجمـــن مـــددکاری اجتماعــی ایران میگوید: طبق آمار سازمان ثبت احوال در ۹ماهه

اول امسال، ۱۲ درصد مطلقه ها کمتر از ۲۰ سال داشتند موسوی چلک در گفت و گوباایسنابااشاره

به اینکه یکی از مشکلات اجتماعی کشور (به ویژه در ۶-۵ سال اخیر)، موضوع طلاق است، افزود: اگر جمعیت زیر ۲۵ سال را در محاسبه آمار طلاق در نظر بگیریم/کثر مطلقه هاوهمچنین بخش اصلی طلاق ها در کمتر از ۲۵ سالگی اتفاق میافتداین

در حالی است که بررسی روند ۵۰ ساله کشور مشخص می کند که روند طلاق همواره در جامعه

روبه رشد بوده اما در چند سال اخير اين پديده رب رسد برعامه در چند سال میر این پایینه فزایش چشمگیری داشته است. در سال ۹۲ به طور میانگین در مقابل هر پنج

ازدواج يک طلاق در کشور ثبت شده است البته

1

می خــواد برئیســو دوســت داشــته باشــم. ت دارم»، مادام ژرژ: می ترســم که مفهوم دوســت داشتن، معنيشميل بهدوستداشتن باشه

نماره ثبت۳۶۸۳ می به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید. اکنون ازارگ بهار ستان به عنوان انبار ضایعات استفادهمی شود.

تاچیز در آن واحد فکر کرد. و میشــه به کســی گفــت: «دو در حالی که داری به جوش دماغش نگاه می کُنی. یـا میشـه گفـت: «زت متنفـرم» در حالی که

(Ö) 🔺



واپسین نفسهای ارگ باغ زرشکی در بیرجند

ارگ بهارستان (باغ زر شکی) مربوط به دوره افشاریه است. این اثر در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۷۹ با

، اجریکی (ان ک ۱۰ جیزی رومیدونیم که فیلســوفانمیدونن، ولوناینه کهمیشه به چند فردریـک: ژرژ تــو نامیــدم میکنــی. دلــم